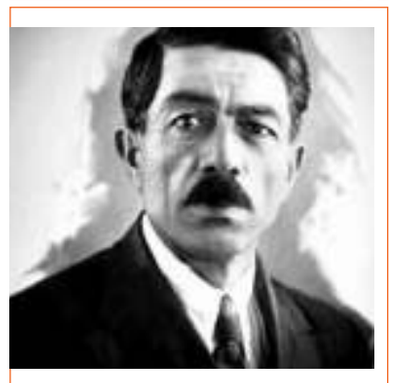

PDF Compressor Free Version

جیزیقدان چیخما بالا

علی‌آقا واحد

بیلمه‌یه‌جکسن

عشقین ائله‌سه کؤنلومو قان، بیلمه‌یه‌جکسن
یوز دفعه دئسم مطلبی قان، بیلمه‌یه‌جکسن
باخ سینه‌مه، مین یارا ووروب تیر نیگاهین
افسوس کی ای قاشی‌کمان، بیلمه‌یه‌جکسن
آخیرکی قوجالتدی منی درد غم عشقین
پیر اولماسان، ای تازه جاوان، بیلمه‌یه‌جکسن
بی مهرسن عالمده، رخ آلینا حسرت
وئرسم اگر هیجرینده‌ده جان، بیلمه‌یه‌جکسن
مجنون کیمی زنجیر سر زولفونه باغلی
اولسام دخی روسوای جهان بیلمه‌یه‌جکسن
توتسام گوزه‌لیم دامنینی اینجیمه مندن
نئیلیم کی، دئسم گئتمه، دایان، بیلمه‌یه‌جکسن
کویوندا گؤزوم یاشینی یوز یول ستمیندن
ائتسم اوزه، ای سرو روان بیلمه‌یه‌جکسن
سیرّ لبینی دیلده نهان ساخلادیم ائلدن
فاش اولمایا بو راز نهان، بیلمه‌یه‌جکسن
شؤق دهنین واحدی محو ائیله‌سه هر گاه
اوندان یئنه بیر نام و نشان بیلمه‌یه‌جکسن

دریاچه ارومیه هیچ وقت مانند سابق نخواهد شد

مدیر موسسه آب دانشگاه تهران تصریح کرد: ستاد احیا تلاش خود را می‌کند اما واقعیت اینکه سطح زیر کشت فراتر از ظرفیت حوضه آبریز است، تا زمانی که سطح زیر کشت کاهش پیدا نکند مشکل دریاچه ارومیه با راه‌حل‌های فناورانه قابل حل نیست.

مدیر موسسه آب دانشگاه تهران گفت: شاید دیگر نتوانیم هیچوقت دریاچه ارومیه را به شکل یک دریاچه مانند سابق داشته باشیم.

به گزارش ایلنا، بنفشه زهرائی درباره آینده دریاچه ارومیه اظهار داشت: حوضه آبریز دریاچه ارومیه هم متاثر از خشکسالی‌های کشور بوده است در کل کشور ۴۰ درصد کاهش بارش داشتیم و در دریاچه ارومیه هم همین شرایط کم بارشی را شاهد بوده‌ایم. کلا دریاچه ارومیه در تابستان به خاطر تبخیر بالا قسمت زیادی از سطح آب خود را از دست می‌دهد که امسال هم به خاطر کم‌بارشی و هم به خاطر گرم‌تر شدن هوا میزان تبخیر شدیدتر از سال‌های قبل است.

مدیر موسسه آب دانشگاه تهران تصریح کرد: ستاد احیا تلاش خود را می‌کند اما واقعیت اینکه سطح زیر کشت فراتر از ظرفیت حوضه آبریز است، تا زمانی که سطح زیر کشت کاهش پیدا نکند مشکل دریاچه ارومیه با راه‌حل‌های فناورانه قابل حل نیست. وی گفت: اخیرا طرح بزرگی تعریف شده که روی دریاچه پنل خورشیدی نصب شود، این طرح‌ها واقعا نمی‌تواند مشکل دریاچه را حل کند، حوضه دریاچه ارومیه نیاز به کاهش سطح زیر کشت دارد و اول و آخر راه حل مشکل دریاچه کاهش سطح زیر کشت است، اگر سطح زیر کشت کاهش نیابد در فصل زمستان اندکی آب در دریاچه جمع می‌شود و تابستان مجددا خشک می‌شود.

زهرائی تاکید کرد: فرایند خشک شدن دریاچه ارومیه باعث شده مقدار زیادی از عمق را به دلیل کریستالیزه شدن نمک‌ها از دست بدهد و هر قدر عمق کمتر شود آسیب‌پذیری به دلیل تبخیر بیشتر می‌شود، یعنی ارتفاع آب محدودی در سطح عظیمی پخش و بسرعت تبخیر می‌شود.

وی درباره احتمال از دست رفتن دریاچه خاطرنشان کرد: شاید اکنون هم دریاچه به فاز بدون بازگشت رسیده باشد و دیگر نتوانیم هیچوقت دریاچه ارومیه را به شکل یک دریاچه مانند سابق داشته باشیم.

تاریخ گردی

یولیوس اوولا و رویای احیای جهانی جنگاورانه

در جهانی که «پیشرفت» شعار روز است و آزادی و برابری آرمان مشترک تقریبا تمام ملت‌ها شده، شاید عجیب باشد که بگوییم گروهی از اندیشمندان غربی درست در جهت عکس این جریان فکر کرده‌اند: دشمنی با مدرنیته، دشمنی عمیق با عقلانیت و دعوت به بازگشت به معنویت. یکی از چهره‌های برجسته این جریان، فیلسوف ایتالیایی، یولیوس اوولا است. اوولا نگاه سنت‌گرایان را با نوعی زیبایی‌شناسی ستایشگر جنگ ترکیب کرد و الهام‌بخش بسیاری از جنبش‌های فاشیستی و راست افراطی قرن بیسم شد.

به گزارش رویداد ۲۴، برای درک اینکه سخنان اوولا که عملا معلم معنوی فاشیست‌های قاره اروپا شد، نخست باید با یک مفهوم کلیدی آشنا شویم: سنت‌گرایی. سنت‌گرایی، برخلاف آنچه ممکن است در نگاه اول به ذهن برسد، صرفا نوستالژی گذشته یا علاقه به فرهنگ کهن نیست. در اینجا «سنت» نه به معنای آداب‌ورسوم محلی یا لباس و غذاهای قدیمی، بلکه به معنای «حقیقتی ازلی» است؛ حقیقتی متعالی و فرازمانی که از طریق ادیان، اسطوره‌ها و سلسله‌مراتب کهن به بشر منتقل شده و بنیاد زندگی او را شکل داده است.

پیروان این مکتب، که از نیمه قرن بیستم در اروپا و برخی کشورهای آسیایی نفوذ پیدا کردند، معتقد بودند که جهان مدرن با قطع پیوند خود از این سنت‌ها، دچار فروپاشی اخلاقی و معنوی شده است. آنها بر این باور بودند که مفاهیمی مانند دموکراسی، برابری، فردگرایی و پیشرفت علمی، به‌جای آنکه بشر را نجات دهند، او را از معنا تهی کرده‌اند.

یولیوس اوولا، متولد ۱۸۹۸ در رم، یکی از صریح‌ترین و تندترین صداهای این جریان بود. او در آثار خود، به‌ویژه کتاب معروفش شورش علیه جهان مدرن، جهان امروز را محصول انحطاطی می‌دانست که از دل نافرمانی نسبت به نظم طبیعی و کیهانی بیرون آمده است. از دید او، انسان مدرن خود را از زنجیر سلسله‌مراتب اجتماعی، معنوی و نژادی رها کرده، اما در عوض به پوچی، بی‌ریشگی و ازهم‌گسیختگی اخلاقی رسیده است. اوولا علت این فروپاشی را بیش از هر چیز در ظهور مسیحیت می‌دید. او آن را دینی توده‌گرا و «پرولتاری» می‌دانست که با پیام‌هایی، چون بخشش، فروتنی و برابری، بنیان نظم مقدس را سست کرد. از نظر او، این دگرگونی با سرنگونی روم باستان ــ که مظهر نظم کیهانی و قدرت امپراتوری بود ــ آغاز شد و تا روزگار دموکراسی و برابری مدرن ادامه یافت. اوولا مفهومی از آیین هندو وام گرفت تا تصویر جهان امروز را ترسیم کند: کالی‌یوگا یا عصر ظلمت. به باور هندوان، تاریخ کیهان از چهار عصر می‌گذرد و کالی‌یوگا، آخرین و تباه‌ترین آنهاست؛ زمانی که حقیقت فراموش می‌شود، ارزش‌ها وارونه می‌گردد، و انسان از اصل خود دور می‌شود. اوولا این تعبیر را برای توصیف قرن بیستم به‌کار گرفت و آن را بر تارک کتابش نشاند: شورش علیه جهان مدرن: سیاست، دین و نظم اجتماعی در عصر کالی‌یوگا.

از آنجا که در نگاه اوولا، جهان مدرن نه‌تنها منحط که فاقد مشروعیت است، بازسازی جامعه باید بر پایه اصولی کاملا متفاوت صورت گیرد؛ اصولی که نه از قرارداد اجتماعی و مشارکت مردمی، بلکه از عمق تاریخ، خون، و خلسه نشات می‌گیرند. این بازسازی در نظر او، صرفا یک پروژه فکری یا فرهنگی نبود، بلکه یک طرح تمام‌عیار سیاسی بود: نوعی کودتا علیه تمدن مدرن، علیه دموکراسی، علیه مساوات، و حتی علیه خود زمانه.

در دهه‌های ۱۹۳۰ و ۴۰، زمانی که فاشیسم در ایتالیا و نازیسم در آلمان قدرت گرفته بود، اوولا این جریان‌ها را فرصتی دید برای تحقق آرمان‌های سنت‌گرایانه. او کوشید تا در نظام‌های استبدادی، بازتابی از همان نظم کیهانی و سلسله‌مراتبی بیابد که رؤیایش را در آثارش ترسیم کرده بود. او از امپراتوری روم، نژاد آریایی، اساطیر ژرمنی، و تعالیم باطنی شرقی استفاده کرد تا جهان‌نگری‌ای بیافریند که هم با گذشته مقدس پیوند دارد و هم می‌خواهد بر آینده فرمان براند.

اما این پیوند، چنان که خودش می‌خواست، هرگز محقق نشد. فاشیسم موسولینی و نازیسم هیتلر بیش از آنکه بر تعالی معنوی و نظم باستانی متمرکز باشند، به دنبال بسیج توده‌ها، تبلیغات، هیجان ملی‌گرایانه و گسترش قدرت سیاسی بودند. اوولا که نخبه‌گرا، خونسرد، و ضدجماعت بود، به‌زودی دریافت که فاشیسم، بیش از آنکه تحقق رؤیای او باشد، «سیاست توده‌ها» با پوسته‌ای امپراتورمآبانه است. او هیچ‌گاه عضو حزب فاشیست نشد و بعدها در دادگاه نیز تأکید کرد که با موسولینی پیوندی رسمی نداشته است. با این حال آثار او در محافل راست افراطی خوانده می‌شدند و حتی برخی اقدامات خشونت‌بار نئوفاشیست‌های ایتالیایی در دهه ۱۹۵۰ با نام و آموزه‌های او پیوند خورده بود. پس از موجی از بمب‌گذاری‌های ناکام در سال‌های ۱۹۴۹ تا ۱۹۵۰، اوولا بازداشت شد و تحت عنوان «تبلیغ برای احیای فاشیسم» محاکمه گردید. در دادگاه، با نیشخندی تلخ گفت که اگر مخالفت با دموکراسی معیار فاشیسم باشد، پس باید دانته را نیز فاشیست دانست و خودش را می‌توان «ابرفاشیست» نامید.

یکی از جنبه‌های تاریک و حساس اندیشه اوولا، نگاه نژادی او به انسان بود. برخلاف نازی‌ها که نژاد را پدیده‌ای صرفا زیستی می‌دانستند، اوولا به چیزی عمیق‌تر معتقد بود: «نژاد روح». به باور او، برتری یا فروتری یک انسان، تنها با ژن یا رنگ پوست سنجیده نمی‌شود، بلکه به عمق درونی، ...

ادامه در همین صفحه

ادامه از همین صفحه...

«خون معنوی»، و ظرفیت کیهانی او بستگی دارد. اما نتیجه نهایی، تفاوت چندانی با نژادپرستی کلاسیک نداشت: در هر حال، جهان از آنِ برگزیدگان است، نه توده‌ها.

از نظر اوولا سیاست چیزی بیش از حل‌وفصل مشکلات اقتصادی و اداره دولت است. او سیاست را نوعی آیین نجات می‌دانست؛ نوعی عمل مقدس برای بازگرداندن انسان به جایگاه ازلی خود در کیهان. به‌زعم او، تکنوکرات‌ها، نمایندگان پارلمان، و بروکراسی‌های مدرن نه‌فقط ناکارآمد، بلکه انحرافی از مأموریت مقدس فرمانروایی‌اند. حکومت راستین، باید از آنِ «روح‌های عالی‌رتبه» باشد، نه از آنِ رأی‌دهندگان.در چنین نگاهی، برابری توهین به حقیقت است، دموکراسی ابزار گمراهی است، و قانون چیزی جز سایه قدرت مشروع نیست. اگر جامعه‌ای می‌خواهد نجات یابد، باید به سرچشمه خود بازگردد: به نظم سلسله‌مراتبی، به پیروی از فرمانروایان برگزیده، و به بازسازی پیوندهای معنوی میان انسان و کیهان.

برای بسیاری از ما، جنگ مفهومی وحشتناک است: ویرانی، مرگ، بی‌خانمانی، خاطرات سرب‌های سوخته و استخوان‌های شکسته. اما برای یولیوس اوولا، فیلسوف سنت‌گرای ایتالیایی، جنگ نه‌تنها فاجعه نبود، بلکه نوعی رستگاری بود؛ لحظه‌ای که انسانِ والا، خودش را از توده‌ها جدا می‌کرد و با اراده‌ای فراتر از زندگی و مرگ، به ذات خویش بازمی‌گشت. در جهان‌بینی اوولا، جنگ همچون تجربه‌ای معنوی عمل می‌کند. نه صرفا به‌خاطر اهداف سیاسی یا ارضی، بلکه، چون میدان نبرد جایی‌ست که نظم واقعی عالم دوباره آشکار می‌شود. جنگ، توده‌های بی‌شکل را از نخبگانِ باطن‌دار جدا می‌کند؛ انسانِ درونی‌شده از انسانِ مصرف‌زده متمایز می‌شود؛ و مرگ، اگر از سر وفاداری و فرمانبرداری باشد، نه شکست، بلکه تجلی بالاترین مرتبه حیات است. این رویکرد به جنگ، که از دل سنت‌گرایی بیرون آمده، به‌ظاهر با آموزه‌های عرفانی و شرقی هم‌خوان است؛ اما با تفاوتی اساسی: در سنت‌گرایی اوولا، جنگ، شمشیر، خون و اراده جای شفقت، آرامش و شفابخشی را می‌گیرد. در جهانی که همه‌چیز در حال فروریختن است_نه با انفجار، بلکه با لبخند، تبلیغ، و خرده‌روایت‌های روان‌کاوانه_شاید تنها چیزی که بتواند انسان را از چسبندگی جان‌فرسا و بی‌رمق نیهیلیسم برهاند، چیزی به شدت متضاد باشد: جنگ.

برای یولیوس اوولا، جنگ هرگز حادثه‌ای گذرا یا ابزاری برای سیاست نبود. او به‌درستی، با نفرت از جنگ‌های صنعتی قرن بیستم، آنها را «ناشریف، مکانیکی، و بی‌روح» می‌دانست. اما در دل همین نفرت، تصویری متافیزیکی از جنگ حفظ شده بود؛ جنگ به‌مثابه طریقتی رازآلود برای باززایی خویشتنِ گم‌شده، و راهی برای عبور از خلأیی که انسان مدرن_با ایمان ازدست‌رفته‌اش به خدا، معنا و منزلت_در آن دست‌وپا می‌زند.

نسل‌های پس از جنگ جهانی دوم، از نئوفاشیست‌های ایتالیایی در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ گرفته تا راست‌گرایان افراطی در عصر اینترنت، از خواندن آثار اوولا نه برای شناخت گذشته، که برای کشف آینده الهام گرفتند. این بازگشت به او، تنها نوستالژی نیست؛ تلاش برای نجات از بیزاری بی‌صدا، بی‌درد و بی‌قهرمانِ زندگی مدرن است. انفجارها، آتش‌سوزی‌ها، شورش‌ها، و تمسک به زیبایی‌شناسی شوالیه‌وار، چیزی نیست جز فریاد خاموش نسلی که نمی‌داند چگونه باید زندگی کند، اما می‌داند که چگونه می‌خواهد بمیرد.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان کرمانشاه اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک کرمانشاه ناحیه دو
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۶۰۰۰۴۴۳۹ – [illegible] هیات دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کرمانشاه ناحیه دو تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم پرستو رشیدی نار شیرخانی فرزند صادق در ششدانگ یک باب خانه به مساحت [illegible] مترمربع در قسمتی از پلاک فرعی از ۴۷ اصلی بخش دو حومه واقع در آریا شهر کهریز بعد از پل کهنه خیابان شورا کوچه اول سمت راست بالای تپه کوچه اول خریداری از مالک رسمی آقای مهدی کهریزی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: [illegible] مرداد ۱۴۰۴ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۹ مرداد ۱۴۰۴
فرشاد ناصری رئیس ثبت اسناد و املاک م الف: ۳۰۵۵

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
۱-برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۲۰۲۶۰۰۰۴۳۳۱ مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۰۹ هیات اول /متقاضی علی رئیسی ورنانی به شناسنامه شماره ۱۷۷۰ کد ملی ۴۶۲۰۴۴۹۰۹۱ صادره فرزند رجبعلی نسبت به سه دانگ مشاع از ششدانگ یکباب خانه به مساحت ۱۶۷٫۱۸ مترمربع پلاک شماره ۲۸۵ فرعی از ۱۴۹۱۵ اصلی
۲-برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۲۰۲۶۰۰۰۴۳۳۲ مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۰۹ هیات اول/متقاضی خانم اشرف عابدی به شناسنامه شماره ۲۸۰۱ کد ملی ۱۲۸۳۶۹۹۶۰۶۱ صادره فرزند حسین نسبت به سه دانگ مشاع از ششدانگ یکباب خانه به مساحت ۱۶۷٫۱۸ مترمربع پلاک شماره ۲۸۵ فرعی از ۱۴۹۱۵ اصلی واقع در بخش ۵ اداره ثبت اسناد و املاک شمال اصفهان.
طبق مبایعه نامه عادی مع الواسطه از مالکیت نادعلی مولائی سند ۱۱۳۸۳-۱۳۵۶/۰۷/۲۳ دفتر ۸۳ اصفهان محرز گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود درصورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید،ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول:۱۴۰۴/۰۵/۰۴ تاریخ انتشار نوبت دوم:۱۴۰۴/۰۵/۱۹
شناسه آگهی ۱۹۷۰۵۹۲ حسین زمانی علویجه رییس ثبت اسناد و املاک

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابر رای شماره [illegible] مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۱۸ هیات اول/متقاضی خانم معصومه [illegible] به شناسنامه شماره ۲۰۱ کد ملی [illegible] صادره اصفهان فرزند محمد باقر نسبت به ششدانگ یکباب خانه دو طبقه به مساحت [illegible] مترمربع از پلاک شماره [illegible] واقع در بخش ۱۶ اداره ثبت اسناد و املاک شمال اصفهان با توجه به تقاضانامه ارائه شده و مستندات ضمیمه شامل مالک رسمی عباس جعفری دلیگانی طبق سیستم جامع املاک مورد ثبت صفحه ۴۲ دفتر ۲۵۶ املاک بوده که مورد درخواست مع الواسطه به موجب قولنامه به متقاضی واگذار شده و تعدادی از شهود آن را تایید نموده اند وملاحظه نقشه ملک وگزارش کارشناس منتخب و پاسخ وضعیت ثبتی که حکایت از احراز مالکیت متقاضی نسبت به ملک مورد تقاضا و انتقال ملک از مالک رسمی به متقاضی داشته و تصرفات متقاضی نسبت به مورد تقاضا احراز گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود درصورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید،ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۵/۰۴ تاریخ انتشار نوبت دوم:۱۴۰۴/۰۵/۱۹
شناسه آگهی ۱۹۷۰۸۴۰ حسین زمانی علویجه رییس ثبت اسناد و املاک

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابر آراء صادره هیات های موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی منطقه غرب اصفهان تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضیان محرز گردیده است. لذا مشخصات متقاضیان و املاک مورد تقاضا به شرح ذیل به منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ اولین انتشار آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد و املاک تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نماید.
۱- برابر رای شماره [illegible] مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۲۰ هیئت اول مالکیت آقای اصغر ترکان زمانی به شماره شناسنامه ۳۳۵ به شماره ملی [illegible] صادره فرزند حسن در شش دانگ یکباب ساختمان به مساحت [illegible] متر مربع پلاک شماره ۲۷ فرعی از ۳۱ اصلی واقع در اصفهان بخش ۱۶ حوزه ثبت ملک غرب اصفهان، سند [illegible] مورخ ۹۱/۱۲/۲۸ دفترخانه ۱۳۰ اصفهان تایید و محرز گردیده است
تاریخ انتشار نوبت اول:۱۴۰۴/۰۵/۰۴ نوبت دوم:۱۴۰۴/۰۵/۱۹
شناسه آگهی: [illegible] شهریاری رئیس منطقه ثبت اسناد و املاک غرب اصفهان

دین و اندیشه

چرا هر سال وقایع کربلا را باز می‌گوییم

همه ما قصه حضرت ابوالفضل(ع)، عمر بن سعد، حر بن یزید ریاحی و بقیه را شنیده و به یاد داریم اما هر سال دوباره این قصه‌ها تکرار می‌شوند، دلیل تکرار آنها چیست؟ آیا ما حجت شرعی بر تکرار به ظاهر مکررات داریم یا خیر؟ آیا تکرار برای خود معنا و مفهومی که در این مطالب و معارف وجود دارد، مخل نیست؟ جواب سؤالات، این آیه قرآن است؛ خداوند می‌فرماید: «کُلًّا نَقُصُّ عَلَیْکَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نُثَبِّتُ بِهِ فُؤَادَکَ ۚ وَجَاءَکَ فِی هَٰذِهِ الْحَقُّ وَمَوْعِظَةٌ وَذِکْرَیٰ لِلْمُؤْمِنِینَ.» در این خصوص حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالحسین ذاکر، پژوهشگر دینی، یادداشتی در اختیار ایکنا قرار داده است که در ادامه می‌خوانیم؛

مشابه داستان امام حسین(ع) و عزای حضرت(ع)، در قرآن ذکر شده است، قرآن نیز تکرار است و دائم تکرار می‌شود تا جایی که حتی عده‌ای آیات قرآن را حفظ می‌کنند، اما چرا باید این مطالب یادآوری و مرور شوند؟ البته خود قرآن این سؤال را پاسخ می‌دهد، اما چرا قرآن این موارد را تکرار می‌کند و آیا این تکرار مخل بر معنا و مفهوم نیست؟ خیر، باید باشد و چرا باید باشد؟ به دلیل آیه ۱۲۰ سوره هود که خداوند در قرآن می‌فرماید: «کُلًّا نَقُصُّ عَلَیْکَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ»؛ ما قصه‌های انبیای گذشته را برای شما تکرار و از بیان جریانات رسلِ گذشته چهار هدف را دنبال می‌کنیم که دقیقاً این چهار هدف در جریان حرکت حسین‌بن‌علی(ع) نیز وجود دارد و برگرفته از قرآن است.

وجود مبارک حضرت حق می‌فرماید: تکرار قصه‌های انبیای گذشته به دلیل «مَا نُثَبِّتُ بِهِ فُؤَادَکَ» است، بنابراین اولین دلیل تکرار این است که قلب شما محکم شود و آرامش پیدا کند و این تکرار را آرامش قلب مؤمنان می‌داند. این قصه‌ها که گاهی برای شما نیز پیش می‌آید، تنها مختص به شما نیست، در گذشته بوده است و انبیا و مردم گذشته نیز گرفتار شدند و حتی به ابتلائات سخت‌تری گرفتار می‌شدند. وقتی انسان درمی‌یابد که این اتفاقات در طول تاریخ رخ داده است، قلبش آرامش پیدا می‌کند و به همین دلیل یکی از تأثیرات تکرار داستان کربلا و قصه‌های انبیا این است که قلب انسان آرام و انسان متوجه می‌شود که این مشکلات فقط مختص به زمان خودش نیستند و گذشتگان نیز با ابتلائات سختی مواجه بوده‌اند.

هر زمان که داستان کربلا را مرور و قصه انبیا را تکرار می‌کنیم، اولین تأثیر این تکرار، آرامش قلبی است و خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَجَاءَکَ فِی هَٰذِهِ الْحَقُّ»، یعنی تکرار این داستان‌ها به ما کمک می‌کند تا حق و باطل را تشخیص دهیم، وقتی نمونه‌هایی از آن را مشاهده کنیم، تشخیص حق و باطل برای ما آسان خواهد شد و به همین دلیل است که هر ساله در مجالس عزای سیدالشهدا(ع) و دیگر انبیا، این داستان‌ها را مرور می‌کنیم، زیرا این تکرار نه فقط آرامش‌بخش است، بلکه ما را در تشخیص حق از باطل یاری می‌کند.

در آیه شریفه «مَن یَتَّقِ اللَّهَ یَجْعَل لَّهُ فُرْقَانًا» نیز آمده است، کسی که تقوای الهی پیشه کند، خدا به او فرقان می‌دهد. فرقان به چه معنا است؟ فرقان، یعنی قوه تشخیص حق از باطل است. در جایی که یک جریانی برای شما مشوش شده و حق و باطل به قدری به‌هم نزدیک شدند که نمی‌توانید تشخیص دهید کدام طرف حق است و کدام طرف باطل، قرآن می‌فرماید: اگر تو تقوای الهی داشته باشی، خدا به تو فرقان می‌دهد. در آن موقعیت سختی که حق و باطل قاطی می‌شود، تو می‌توانی حق را تشخیص دهی.

یکی از بزرگان گفتند که منظور از فرقان، حضرت سیدالشهدا(ع) است؛ یعنی قوه تشخیص حق از باطل امام حسین(ع) است و یکی از تأثیراتی که در این قصه هر سال تکرار می‌شود، همین است و قرآن می‌گوید: هدف این است که شما حق و باطل را بتوانید تشخیص دهید، اما چرا؟ چون این یک جریانی نیست که گفته و تمام شده باشد.

امام حسین(ع) اصلاً نفرمود من با یزید بیعت نمی‌کنم، بلکه تکلیف عالم را تا قیامت مشخص کرد. فرمود: «مِثْلِی لَا یُبَایِعُ مِثْلَهُ»، یعنی تا قیامت هر کسی مثل من فکر کند، با طرز تفکر یزید کنار نمی‌آید و این دو نمی‌توانند با همدیگر جمع شوند. شما اگر قصه کربلا را بشناسید، متوجه خواهید شد که در هر دوره‌ای دقیقاً این اتفاقات در حال تکرار است.

در دوره خودتان هم این داستان‌ها را دارید و وقتی اینها را بدانید، در موقعیتی که قرار می‌گیرید و حق و باطل را نمی‌توانید تشخیص دهید، می‌دانید برای شما چه اتفاقی خواهد افتاد. اینِ روزها را به چشم خود خواهید دید. واقعاً خداوند همه چیز را برای بندگانش به این اندازه واضح می‌کند؛ مثل جریان حر که گفت: «خودم را مخیر می‌بینم بین بهشت و جهنم» و شما نیز در یک موقعیتی قرار می‌گیرد که مخیر بین بهشت و جهنم می‌شوید.

بازخوانی قصه کربلا به‌خاطر این است که تو بدانی یک روزی قصه حر سال ۶۱ هجری در تو تجلی پیدا خواهد کرد. اگر این اتفاق افتاد، تو کدام طرف را انتخاب می‌کنی؟ پس تکرار مخل معنا نیست، اتفاقا، تکرار خیلی خوب است تا شما حق را از باطل تشخیص دهید. همین‌طور که در قرآن قصه‌ها تکرار می‌شود؛ قصه حضرت موسی(ع)، قصه حضرت ابراهیم(ع)، برای اینکه بدانی نمرودی، ابراهیمی، موسی و فرعونی بود.

شاید فکر کنید که تمام اینها از بین رفته‌اند و مربوط به گذشته هستند و تمام شدند، خیر هدف این است که شما بدانید همیشه فرعونی وجود دارد، موسی، نمرود و ابراهیمی هست، بنابراین، تکرار این قصه‌ها مخل معنا نیست.

نکته بسیار مهم دیگری که قرآن به آن اشاره می‌کند، «وَمَوْعِظَةٌ» است. تکرار جریانات قبلی برای شما موعظه‌ای است که پیوسته به آن نیاز دارید. این موارد را

شما تجربه کرده‌اید، بسیاری از چیزها را من و شما می‌دانیم، حتی ممکن است آن‌ها را درس هم داده باشیم، اما وقتی همان‌ها را از کسی دیگر می‌شنوید، به عنوان موعظه تأثیر متفاوتی بر وجود شما می‌گذارد.

به همین دلیل، بسیاری از مراجع تقلید، با اینکه سال‌ها در علوم دینی تحصیل کرده‌اند و احکام الهی را استخراج می‌کنند، باز هم در مجالس وعظ و خطابه شرکت می‌کنند، چرا؟ زیرا همگی به موعظه نیاز داریم و نکته عجیب که باید به شما بگویم این است که در حالات رسول الله(ص) آمده است که گاهی جبرئیل به محضر ایشان می‌آمد و پیامبر(ص) به او می‌گفت: «جبرئیل، مرا موعظه کن.» که این موضوع نشان‌دهنده اهمیت موعظه حتی برای بزرگ‌ترین پیامبر خداست. همچنین در حالات امیرالمؤمنین علی(ع) آمده است که ایشان گاهی به اصحاب خود می‌فرمودند: «موعظه کن.» و این نشان می‌دهد که حتی بزرگ‌ترین شخصیت‌ها نیز به موعظه نیاز دارند. قرآن می‌گوید: دلیل تکرارها، موعظه است، زیرا موعظه قلب را نرم می‌کند.

بسیاری از افراد زندگی‌شان به‌خاطر همین موعظه‌ها تغییر کرده است، در مجالس امام حسین(ع)، وقتی افراد با این موعظه‌ها مواجه می‌شوند، شالوده زندگی‌شان دگرگون می‌شود. تغییر مسیر زندگی انسان‌ها به واسطه موعظه و نصیحت، موضوعی بسیار مهم است. هیچ‌گاه نباید از موعظه و نصیحت غافل شد. امام جواد(ع) در روایتی می‌فرمایند: «مؤمن به سه خصلت نیاز دارد.» اولین مطلبی که امام بیان می‌کنند این است که مؤمن به «واعظِ مِن نَفْسِه» احتیاج دارد و علاوه بر واعظ بیرونی که او را نصیحت می‌کند، نیازمند پنددهنده‌ای از درون نیز است. حضرت حق می‌فرماید: اینکه ما دائماً در حال تکرار هستیم، به‌خاطر این است که پند بگیرید و موعظه شوید. عبارت عجیبی در مورد خود این موعظه وجود دارد، وقتی که انسان موعظه می‌شود، دلش تکان می‌خورد و موجب می‌شود مسیر زندگی‌اش تغییر کند.

ذات مقدس حضرت حق می‌فرماید: «وَذِکْرَیٰ لِلْمُؤْمِنِینَ»، چهارمین هدفی که ما دنبال می‌کنیم این است که برای شما قصه انبیا و قصه امام حسین(ع) را می‌گوییم تا یادآوری مؤمنین باشد. در قرآن بسیار می‌خوانید «و ذکر ابراهیم» تا جریان ابراهیم و حضرت موسی به یادتان بیاید. چرا؟ چون این‌ها جزو کاملترین مؤمنان بودند، انسان‌هایی که به مدارج بالای ایمانی رسیدند و قرآن می‌خواهد این‌ها را به ما بشناسد.